

گتسبی بزرگ

اسکات فیتزجرالد

مترجم:

مهدی افشار



سرشناسه:	فیتزجرالد، فرانسیس اسکات، ۱۹۴۰ - ۱۸۹۶ م.
عنوان و پدیدآور:	Fitzgerald, F. Scott (Scott Francis)
مشخصات نشر:	گتسی بزرگ / اسکات فیتزجرالد، مترجم: مهدی افشار
مشخصات ظاهری:	تهران: مجید، ۱۳۹۲.
شابک:	۲۲۴ ص.
ویسیت فهرست نویسی:	۹۷۸-۹۶۴-۴۵۳-۰۹۱-۳
یادداشت:	فیبا
موضوع:	عنوان اصلی The Great Gatsby
سناسه افزوده:	داستان‌های آمریکایی - قرن ۱۹ م.
رده‌بندی کتبه:	افشار، مهدی - ۱۳۲۶، مترجم
رده‌بندی دیویی:	۱۳۹۲ گ ۲ ی / PS۳۵۲۹
شماره کتابشناسی ملی:	۸۱۲/۵۲
	۳۲۳۰۸۶۴



انتشارات مجید



نشر به‌سخن

تهران، خ. انقلاب، خ. ۱۲ فروردین، ح. لایمی‌نژاد، شماره ۲۴۰

تلفن: ۶۶۴۹۵۷۱۳ - ۶۶۴۹۱۵۸۸

گتسی بزرگ

اسکات فیتزجرالد

ترجمه مهدی افشار

چاپ اول، تهران، ۱۳۹۲ ه. ش.

۱۱۰۰ نسخه

لیتوگرافی و چاپ: غزال

طرح جلد، احمد آفاقلیزاده

ناشر همکار: انتشارات به‌سخن

همه حقوق محفوظ است.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۵۳-۰۹۱-۳

www.majidpub.com & ir

۱۳۵۰۰ تومان

پس کلاهی از زر بر سر بگذار؛ اگر او را به شور می‌آورد. اگر می‌توانی
اوج‌گیری، برای او نیز اوج گیر تا او به فریاد بگوید: "عاشق زرین کلاه،
عاشق معراج‌نشین، باید از آن من باشی."

توماس پارک دنویلیه^۱

مقدمه مترجم

در واژه و اژه کلماتی که ترجمه می‌کردم، در سطر سطر جملاتی که پس از
حروف چینی بازخوانی می‌کردم، دو پرسش یا بهتر است بگویم دو نکته ذهن
مرا به خود مشغول داشته بود، یکی آن که چرا صفت «بزرگ» و یا شاید
«عظیم»^۲ به گتسی داده شده و دوم آن که چرا این زمان در شمار ده زمان
بزرگ جهان است.

بی‌گمان رمان گتسی بزرگ، رمان بزرگی است، اما واقع امر این که
نمی‌توانستم عظمت این رمان و شاخصیت قهرمان آن یعنی گتسی را
بازشناسم. حوادث رمان می‌تواند در هر کجا و در هر زمان دیگری واقع شود
و شخصیت‌های قصه، چهره‌های چندان متفاوتی از بسیاری از رمان‌های
پرحادثه و عاطفی دیگر نیستند، همانند بسیاری از رمان‌های عاطفی تقابل دو
مرد بر سر یک زن است، زنی که همانند دیگر زنان است، حساس، زودرنج و
آزرده از کثرت‌فاری‌های شوهر و اندکی - البته اندکی - ساده و بی‌پیرایه که
بر سر دو راهی قرار می‌گیرد و سرانجام شوهر را به جای عاشق برمی‌گزیند.

1. Thomas Parke d'Invilleirs

2. Great

دیگر قهرمانان آن نیز برتری چندانی بر قهرمانان بسیاری از قصه‌های بزرگ ندارند، توم، ورزشکار و قلدر طبع و بسیار ثروت‌مند است؛ ثروتمندی ریشه‌دار که با سنت و آیین پولدارها پرورده شده و البته همه هستی را برای خود می‌خواهد و به نوعی طلبکار و در اعماق ذهن خویش باور دارد که گداز افلاک تنها و تنها برای آرامش و برآورده شدن خواسته‌های اوست، به خود حق می‌دهد که زن کارگری را تصاحب کند و حق مسلم خود می‌پندارد، این تصاحب را، تا آن‌جا که با ضربه‌ی دماغ او را می‌شکند.

گتسبی فرزند فقیر است، لکن برتری جو و جاه‌طلب؛ دست‌اندرکار اموری است که بوی خوش مشروعیت از آن به مشام نمی‌رسد و این بوی ناخوش پس از مرگ او تندتر مشام را می‌آزارد.

و جردن بیکر، بانوی دیگر همه، گلف‌بازی است که گاه برای پیروزی بر رقیب از نیرنگ باختن دریغ ندارد و از دروغ گفتن هر چند بی‌ضرر، بیمی به دل راه نمی‌دهد.

رمان از زاویه دید اول شخص یا دانای کل روایت می‌شود که این شیوه روایی جذابیت‌های خاص خود را دارد. راوی مردی سی ساله است که برخوردار از پاره‌یی صفات انسانی است که در جای جای رمان نمود می‌کند بالاخص آن‌گاه که گتسبی می‌میرد، بی‌هیچ یار و یارری و راوی می‌کوشد تا برای متوفی کسب آبرو کند و نویسنده در این بخش چه نیکو طبیعت انسان‌ها را باز می‌نمایاند.

اما همه این‌ها آن ویژگی و آن شاخصیت را به رمان نمی‌بخشد که آن را در شمار بزرگ‌ترین رمان‌های جهان قرار دهد و این کشمکش ذهنی رهایم نکرد تا سرانجام دلیلی روشن برای این دو صفت یعنی بزرگ بودن گتسبی و ممتاز بودن رمان یافتیم.

گتسبی، بزرگ است نه به جهت ثروتی که اندوخته، نه به جهت مهمانی‌های باشکوهی که برگزار می‌کند، نه به جهت هزینه‌های گزافی که

صرف می‌کند که به جهت عشقی که در نهان‌خانه دل دارد، عشقی که سالیانی چند در ژرفای قلب خود پرورش داده است و آن عشق آن قدر لطیف، آن قدر زیبا و آن قدر پاک است که آنان که به راستی عاشق بوده‌اند، قادرند به این لطافت و به این زیبایی و به این پاکی پی ببرند و اسکات فیتز جرالدها با زیبایی بی‌همانندی این عشق را توصیف می‌کند.

در صفحات بخش هشتم وقتی گتسبی پس از جنگ به موطن و زادگاه دی‌زی بازمی‌گردد، می‌خواهد هوایی را فرو بلعد یا در آغوش کشد که می‌پندارد دی‌زی در آن هوا دم زده است و حتی وقتی کامیونی با عده‌یی مسافر عبور می‌کند، به آنان حسد می‌ورزد که چه بسا در این شهر حداقل لحظه‌یی، نه لمحہ‌یی معشوق را دیده‌اند و این یعنی عشق به لطیف‌ترین وجه آن و زیباترین وصف آن.

اما چرا این رمان مهم است. گاه می‌پنداشتم نویسنده رمان نوشته، شعر سروده است، صور خیال در این رمان آن‌چنان قدرت‌مند و آن‌چنان تصویری است که خواننده در تصاویر رنگارنگی که نویسنده خلق می‌کند جذب و غرق می‌شود. بوی صورتهای خیال را به شمیم جان درمی‌یابد و رنگارنگ تصاویری را که عرضه می‌کند به گوش جان می‌نیوشد. دکتر تی. جی. اکلبیگ خود تصویری است که تنها یک صورتگر خیال‌قادر به ترسیم آن است و ده‌ها تصویرسازی دیگر و صدها توصیف‌گری دیگر که گوشه گوشه دل را می‌لرزاند و خواننده درمی‌یابد که صورت‌گری‌های فیتز جرالدها بی‌بدیل است و بدین گونه است که می‌پندارم به حق رمان «گتسبی بزرگ» در شمار بزرگ‌ترین رمان‌های جهان قرار دارد.

مهدی افشار

امرداد ۱۳۹۲